

در نظام سرمایه داری وابسته ایران. جانی که دیکتاتوری عریان. روینای ذاتی این نظام را تشکیل می دهد و کوچکترین خواستها و مطالبات عادلانه مردم با گلوله و سرکوب پاسخ می گیرد. سخن راندن از انتخابات آزاد و دمکراتیک و حق رای و مشارکت توده ها در تعیین سرنوشت خویش جز یک پندار پوچ و فریبکارانه چیز دیگری نیست.

تداوم و گسترش اعتراضات و تجمعات کارگران

مبارزات کارگران جهت دستیابی به حقوق پایمال شده اشان همچنان ادامه دارد. تشدید استثمار و فقر و فلاکت توده های کارگر، تضاد طبقاتی میان کارگران و سرمایه داران را شدت بیشتری بخشیده و اعتراضات و مبارزات آنان را علیه نظم موجود گسترش داده است. مبارزات کارگران در اشکال و ابعاد مختلفی ظهور می کند و بیش از پیش با مطالبات اقتصادی ای که بدلیل حاکمیت یک دیکتاتوری تمام عیار سریعاً سیاسی می گردند، وارد عرصه درگیری های اجتماعی می شود.

(ادامه در صفحه ۳)

(ادامه در صفحه ۲)

شرکت گسترده مردم در آن، "انتخابات" اخیر را برآستی باید یکی از رسواترین نمایشات انتخاباتی ۲۶ سال حکومت جمهوری اسلامی نامید. این حقیقتی ست که در طول ۲۶ سال گذشته، برای دیکتاتوری حاکم و طبقه حافظ آن یعنی بورژوازی انگل صفت وابسته به امپریالیسم، اصل پایمال کردن عریان حق رای آزاد و اراده توده ها در نمایشات انتخاباتی، پیش شرط ورود به هر گونه "انتخابات" را تشکیل داده است. این حقیقت بار دیگر و با برجستگی تمام خود را در "انتخابات ریاست جمهوری" نیز به نمایش گذارد. به گونه ای که بی اعتباری و ساختگی بودن این نمایشات آنقدر عیان گشت که حتی سر و صدای بخشی از هیأت حاکمه و نمایندگان آنها را نیز درآورد و موجب تشدید تضادهای ضدخلقی فی مابین آنها شد.

نگاهی به

"انتخابات" ریاست جمهوری

می باشد. از دیگر "افتخارات" او در خدمت به جمهوری اسلامی، شلیک تیر خلاص به زندانیان سیاسی مبارز و انقلابی در سیاهچالهای حکومتی ست. با چنین پیشینه ننگین و ضد خلقی ای، اکنون قرار است که او در ۴ سال آینده در کرسی ریاست جمهوری نظام بر علیه کارگران و خلقهای تحت ستم ما انجام وظیفه کند.

آنچه که در نمایشات انتخاباتی اخیر جمهوری اسلامی برجسته می باشد عبارت از این واقعیت است که به رغم تمامی تلاشها و تبلیغات بی وقفه بلندگوهای تبلیغاتی حکومتی و گردانندگان نظام مبنی بر "دمکراتیک" جلوه دادن این خیمه شب بازی و

با پایان یافتن دور دوم نمایشات انتخاباتی ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی، سرانجام مقامات حکومت نام محمود احمدی نژاد را به عنوان رئیس جمهور جدید رژیم، از صندوق ها بیرون کشیدند. رئیس جمهور منتصب یعنی احمدی نژاد یکی از مزدوران شناخته شده نظام است که در طول ۲۶ سال گذشته در تمام پستهای خود از ارتکاب به هیچ گونه جنایتی بر علیه مردم تحت ستم ایران، آزادی خواهان و مخالفین حکومت خودداری نورزیده است. او یکی از مزدوران جمهوری اسلامی ست که نامش در جریان توطئه قتل مخالفین حکومت نظیر دکتر سامی در تهران، دکتر قاسملو در وین و دکتر شرفکندی در آلمان مطرح

دولت آمریکا و "لیست جدید" تروریست ها

حمایت از محیط زیست "جبهه رهایی زمین (ELF)" جزو تروریست های سال ۲۰۰۵ ذکر شده اند. تنها عملیات "تروریستی" این گروه ها حمله های اعتراضی (غیر مسلحانه) به آزمایشگاه هایی که از حیوانات برای انجام آزمایش استفاده می کنند، و به شرکت های چوب بری که جنگل ها را از بین می برند، بوده است.

(ادامه در صفحه ۳)

اخیر جان بسیاری از شهروندان آمریکائی را گرفته است، دیده نمی شود. در عوض گروه های آمریکایی که اسمشان در این لیست قرار دارد، مدافعین محیط زیست و حیوانات هستند. به عنوان مثال گروه حمایت از حیوانات "جبهه رهایی حیوانات (ALF)" و گروه

پیدا می کنند. لیست تروریست های سال ۲۰۰۵ نیز اخیراً منتشر شد که در صدر آن گروه "القاعده" نشسته است ولی در این لیست اثری از نام افراد و گروه های تروریستی مسیحی سفیدپوست آمریکائی الاصل (و عمدتاً نژادپرست) که اعمال تروریستی آنها در سالهای

هر ساله دولت آمریکا به قصد تروین و تغییر سالانه سیاست امنیتی خویش، لیستی از اسامی گروه ها و افرادی را به عنوان گروه های تروریستی به ارتش و دیگر ارگانهای نظامی و امنیتی اعلام می کند. معمولاً برخی از اسامی مندرج در این لیست به روزنامه ها درز



در بستر تشدید همین تضادهای قدرت طلبانه است که ما می بینیم کروی به عنوان کاندیدای بخشی از طبقه حاکم- که گردانندگان "انتخابات" با جابجائی یک میلیون رای، موجبات حذف او در دور اول و راه یابی احمدی نژاد به دور نهائی را باعث شدند- در اعتراض به این امر از تمام مقامات خویش استعفا داد و با برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی زبان به افشاکاری بر علیه اعمال رقبای خویش گشود و با "اعتراض" به "شیوه انتخابات" گوشه ای از واقعیت ساختگی بودن این "انتخابات" را به نمایش گذارد. کروی ضمن اشاره به دخالت سازمانیافته "شورای نگهبان" و "نیروهای مسلح" در اعمال نفوذ روی نتیجه انتخابات مطرح نمود "در شب رای گیری دیدم که با اینکه من از ابتدا از خیلی از کاندیداها جلوتر بودم، ناگهان اعلام شد که یک میلیون رای به یکی از کاندیداها اضافه شده است و خیلی تعجب کردم". او که در جریان کنفرانس مطبوعاتی خود پس از اعلام نتایج دور اول سخن می گفت مطرح کرد که "معتقدم دخالت عجیب و غریبی در انتخابات صورت گرفته و پول های زیادی رد و بدل شده است و مطمئنم که در چند شهر اتفاقات عجیب و غریبی افتاده است". وی اضافه نمود "اینکه چهره ناشناسی بیاید و رای بیاورد، امکان ندارد. اینها از قبل برنامه ریزی شده و مراکز قدرت

این کار را کردند... اگر شورای نگهبان توانائی آن را داشت می گفت که بدون انتخابات، احمدی نژاد رای بیاورد".

سخنان کروی به مثابه اعترافات خشم آلود یکی از کارگزاران نظام ضد خلقی حاکم که قربانی خیمه شب بازی انتخاباتی ریاست جمهوری گشته است، سند روشن دیگری ست که ساختگی بودن کلیت دستگاه انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد. و نشان می دهد در چارچوب دیکتاتوری حاکم، قبل از هر انتخاباتی، تصمیم گیری حول نتیجه، از قبل در بین محافل قدرت گرفته شده است و در این میان نه تنها رای توده ها بلکه منافع گروهی و جزئی دار و دسته های مختلف در درون رژیم در مقابل منافع کل نظام هیچ ارزشی ندارد. اعترافات کروی همچنین آب پاکی بر روی دست تمامی دوستان نادان خلق و کسانی می ریزد که به جای آنکه به سیستم انتخاباتی رژیم و تجارب ۲۶ ساله ناشی از نمایشات ساختگی حکومت توجه کنند و ببینند که رای توده ها کمترین تاثیری در نتیجه از قبل معلوم شده این خیمه شب بازی ها ندارد، پس از انجام هر یک از نمایشات انتخاباتی جمهوری اسلامی با حرارت به میدان آمده و به تجزیه و تحلیل آمار ساختگی ای که حکومت در مورد میزان مشارکت مردم ارائه داده می پردازند. و به این ترتیب تبلیغات رژیم در مورد مشروعیت "انتخابات" در جمهوری اسلامی را به گونه ای می پذیرند.

با پایان مرحله دوم خیمه شب بازی انتخاباتی و اعلام برتری احمدی نژاد بر رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز که از "شکست" خویش

بشدت آزرده شده بود زبان به شکایت در مورد قلبی بودن انتخابات گشود. او با انتشار نامه ای "خطاب به مردم ایران" نسبت به شیوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری "اعتراض نمود. وی در نامه اش از "صرف هزینه های ده ها میلیاردی از بیت المال" برای پیروزی احمدی نژاد و "دخالت نامشروع در انتخابات بصورت سازماندهی شده و با استفاده از امکانات نظام" سخن گفت.

تشدید تضادهای درونی حاکمیت، در میان مطبوعات وابسته به جناح های مختلف طبقه حاکم نیز انعکاس یافت. و در این چارچوب لیست طولی از شیوه ها و چگونگی و ابعاد وسیع تقلبات سازمانیافته به نفع این یا آن کاندیدا در "انتخابات" در معرض دید افکار عمومی قرار گرفت. برخی از مهمترین این موارد که به نوبه خود ساختگی و مصنوعی و ضد مردمی بودن کل سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی را نشان می دهند به قرار زیرند:

اعمال نفوذ گسترده و دخالت سپاه و بسیج جمهوری اسلامی با همکاری فرزند خامنه ای به نفع احمدی نژاد در حوزه های رای گیری، عدم کنترل شناسنامه ها و صدور هزاران شناسنامه جدید صرفا به منظور رای دادن، تخلفات آشکار در شمار زیادی از حوزه های رای گیری و ممانعت از توقف رای گیری در حوزه های متخلف، دست کاری در آراء، پرداخت پول به رای دهندگان و اجازه دادن به افراد بسیجی برای اینکه به منظور پر کردن صندوق ها چند بار رای به صندوق ها بریزند، خرید و فروش رای در شهرستان هائی نظیر زاهدان و مهاباد، خرید گسترده رای

روستائیان در مقابل پرداخت پول و مواد غذایی و در کنار همه اینها ایجاد رعب و وحشت و ضرب و شتم مسئولان برخی از حوزه ها که در صدد ممانعت از تقلب بودند و.... همه این ها کار رسوائی "انتخابات" ریاست جمهوری را بجائی رساند که مطابق آخرین نتایج شمارش آراء در تهران معلوم شد که جمع ارقام مربوط به نسبت آرائی که کاندیداها بدست آورده بودند در مقایسه با کل آراء ماخوذه صد و یک در صد بوده است!

جنگالی که بر سر تقلبات گسترده در انتخابات، بین کاندیداها جناح های مختلف حکومتی در گرفت و بازتاب آن در میان مردم به جان آمده، خطر گسترش شکاف در میان دار و دسته های حکومتی و بالنتیجه تزلزل در دیکتاتوری حاکم را تشدید نمود. با مشاهده این خطر، رهبر نظام یعنی خامنه ای به میدان آمد و پس از ملاقات خصوصی با کروی ضمن صدور بیانیه ای به تهدید و ارباب معترضین گفت که "به کسی اجازه نخواهد داد بحران ایجاد کند". او در پاسخ به کروی نیز که متن آن در روزنامه "نیویورک تایمز" مورخ ۲۲ ژوئن نیز چاپ شده به وی اخطار داد که "آنچه که گفتید از شما انتظار نمی رفت و با هدف ایجاد بحران گسترده صورت گرفته است".

به این ترتیب در حالی که بر بستر بحران گریبانگیر نظام، گردانندگان حکومت خطر انفجار جنبش توده ای را بخوبی حس می کردند، یکبار دیگر در مقابل دشمن مشترک و اصلی یعنی جنبش کارگران و توده های تحت ستم متحد شده و همگی نتایج درآورده شده از صندوق های رای گیری را پذیرفتند.



→ نمایشات انتخاباتی نهمین دوره ریاست جمهوری، یکبار دیگر بر این واقعیت مهر تاکید زد که در نظام سرمایه داری وابسته ایران، جایی که دیکتاتوری عریان، روبنای ذاتی این نظام را تشکیل می دهد و کوچکترین خواستها و مطالبات عادلانه مردم با گلوله و سرکوب پاسخ می گیرد، سخن راندن از انتخابات آزاد و دمکراتیک و حق رای و مشارکت توده ها در تعیین سرنوشت

خویش جز یک پندار پوچ و فریبکارانه چیز دیگری نیست. در چارچوب چنین نظامی، گزینش هایی که در میان طبقه حاکم زیر نام "انتخابات"، برای اداره نظام صورت می گیرند، جز انتصابات نیستند که در بالاترین نهادهای امنیتی-سیاسی نظام با توجه به الزامات ناشی از وابستگی کل سیستم صورت می پذیرند و سپس سردمداران حکومت وظیفه می یابند تا این انتصابات ضد

خلقی را با برگزاری نمایشات انتخاباتی، انتخابات آزاد، دمکراتیک و مردمی جلوه دهند. در چنین چارچوبی دیگر مساله اساسی این نیست که کدام یک از مزدوران نظام از صندوق های مار گیری حکومت بیرون می آیند، بلکه مساله اولی، توجه به سیاست ها و جهت گیریهای اساسی نظام ضد خلقی حاکم و تشریح آنها برای افکار عمومی و ضرورت مبارزه با آنها می باشد.

با توجه به این حقیقت باید گفت "انتخابات" اخیر و نتایج آن قبل از هر چیز بیانگر نقشه و عزم راسخ کلیت طبقه ضد خلقی حاکم برای تشدید سرکوب جنبش توده ای و هموار کردن مسیر برای غارت هر چه گسترده تر کارگران و خلق های تحت ستم و ثروتهای ملی آنها توسط امپریالیستهای جهانخوار است. ■

تداوم و گسترش اعتراضات و تجمعات کارگران

(بقیه از صفحه ۱)

هزاران تن از کارگران علاوه بر آن که همچنان از دریافت دستمزد (گاه تا یک سال) و بیمه تامین اجتماعی محرومند، از وضعیت بهداشت و نا امن بودن محیط کار خویش نیز در رنجند و به دلیل قوانین شدیداً ضد کارگری همچون قراردادهای موقت و اخراج های بی رویه امنیت شغلی هم ندارند، بدلیل دیکتاتوری بورژوازی وابسته از داشتن تشکلات مستقل خویش نیز محرومند. در چارچوب چنین اوضاع نابسامانی و در حالی که اختناق در محیطهای کار بیداد می کند و کارگران با خطر سرکوب شدید در هنگام کوچکترین اعتراض نیز روبرو هستند، روزی نیست که ما شاهد تجمع و اعتصاب و حرکت های اعتراضی کارگران نباشیم. بطور مثال در تیر ماه کارگران "نخ رنگ" همدان که چندین ماه است حقوق نگرفته اند دست به تحصن زده اند. و مدیریت این کارخانه بجای رسیدگی به خواست های برحق کارگران، برای مقابله با تجمع کارگران معترض به نیروی انتظامی متوسل شده است. (ایلنا، تیر ماه ۱۳۸۴)

از سوی دیگر با عدم پرداخت دستمزدها، بیمه بیکاری نیز قطع می شود. اعتراض اخیر کارگران مجتمع صنعتی "مس باهنر" کرمان به این مساله- که از طرف مدیرعامل این کارخانه تکذیب شده بود- ادامه یافت و سرانجام شدت گرفتن این اعتراضات و اعتصاب باعث گشت تا نماینده کارگران استان کرمان به ناچار به صحنه آمده و با تأیید اعتراض کارگران نسبت به عواقب این مساله هشدار دهد.

در این میان موج اخراج ها توسط کارفرمایان و سرمایه داران زالو صفت با حمایت دولت و تحت هر بهانه ای ادامه دارد. در یکی از آخرین موارد ۱۰ کارگر "پروفیل

پارس" به خاطر اعتراض به تغییر کاربری از کار اخراج شدند. (ایلنا، ۲۱ تیر ۱۳۸۴) اخبار اعتراضات کارگری که گاه حتی در رسانه های خود رژیم نیز انعکاس می یابند، از یک سو بیانگر شدت فشارهای وارده از سوی سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی بر زندگی بخور و نمیر میلیونها تن از کارگران بوده و از سوی دیگر بیانگر تشدید تضاد آشتی ناپذیر میان کارگران و سرمایه داران در نظام امپریالیستی حاکم می باشد. از همین روست که مسئولین داخل رژیم و آنانی که به نوعی منافعشان با حیات رژیم گره خورده با هشدار دادن به یکدیگر و چاره جوئی برای نجات خود شدیداً در تلاشند و برای مقابله با این مبارزات که هر روز ابعاد جدیدی می یابد، کوشش های بیشتری به خرج می دهند و در پی یافتن ترفند های جدیدی بر می آیند. ترفندهایی که هر کدام بعد از تمام شدن تاریخ مصرفشان دست رژیم و ماهیت ضد خلقی و سرکوبگرانه آن را در نزد کارگران به پا خاسته هر چه بیشتر رو می کند.

سرکوب و شدت عمل رژیم به منظور خاموش کردن اعتراضات کارگری و در همان حال دوز و کلک و فریبهای خانه کارگر- ارگان وابسته و نهاد سرکوبگری که اغلب با بدست گرفتن پرچم مبارزه دروغین سعی در به انحراف کشاندن مبارزات واقعی کارگران را دارد- نمونه ایست از راههایی که رژیم برای مقابله با مبارزات کارگری از آنها استفاده می کند. اما بسیاری از کارگران ایران اینک با ترفندها و دغلکاری های رژیم و نهادهای ضد کارگری و فریبکاری نظیر خانه کارگراشنا شده اند. کارگران در تجربه روزمره زندگی خویش می دانند که ارگانهای نظیر خانه کارگر با حمایت مستقیم از رژیم و از کارفرمایان و با سردادن وعده های دروغین، تنها قصد حفظ نظم موجود به نفع نظام ضد خلقی حاکم و به ضرر کارگران را دارند.

مبارزات روزمره کارگران نقش مهمی در روشن شدن ذهن آنان و ارتقاء سطح آگاهی آنان دارد. در جریان همین مبارزات است که کارگران به ریشه های نابسامانی زندگی خویش پی برده و با شناخت بهتر از چهره وقیح و به

دولت آمریکا و "لیست جدید"

تروریست ها

(بقیه از صفحه ۱)

هیچکدام از گروه های ناسیونالیست مسلح مسیحی که بدون داشتن مجوز قانونی به پناهندگان مکزیکی در مرزهای آمریکا حمله می کنند و آنها را شکنجه می کنند، گروه های مذهبی مرتجع مسیحی که به کلینیک های سقط جنین حملات مسلحانه می کنند و تاکنون بسیاری از زنان حامله و دکترها را نیز کشته اند، گروه های نژادپرست سفیدپوست که به همجنس گرایان و سیاهپوستان و یهودیان حمله مسلحانه کرده اند در این لیست قرار ندارند.

طبق آمار دولتی، تقریباً ۹۹ درصد تمام حملات تروریستی در آمریکا توسط افراد و گروه های افراطی آمریکایی انجام شده اند. به عنوان مثال می توان از بمب گذاری اکلاهوما در ۱۹۹۵ نام برد که منجر به کشته شدن ۱۶۸ نفر شد و یا از تروریستی به نام "بنجامین اسمیت" یاد نمود که در سال ۱۹۹۹ ده ها سیاهپوست و همجنسگرا و یهودی را کشته بود. همه نوجوانانی که تا کنون در دبیرستانهای آمریکایی به عملیات تروریستی دست زده و صد ها دانش آموز و معلم را کشته اند نیز تحت تأثیر گروه های نازیست آمریکایی بوده و با آنها ارتباط اینترنتی داشته اند، گروه هایی که نامشان در لیست تروریستی آمریکا قرار ندارد. ■



تداوم نقض فاحش حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی

با انتشار گزارش اخیر "سازمان عفو بین الملل" در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران در سال ۲۰۰۴، گوشه ای از جنایات روزمره رژیم جمهوری اسلامی بر علیه مردم تحت ستم و مبارز ما در افکار عمومی به نمایش در آمد. البته این حقیقتی است که سازمان مزبور بدلیل ماهیت خود و گردانندگانش هیچ گاه تصویر حقیقی و کاملی از ابعاد واقعی نقض وحشیانه حقوق بشر ارائه نمی دهد و گزارشات سالانه این سازمان در مورد نقض حقوق بشر تابعی از معادلات سیاسی و منافع و تضادهای موجود در بین قدرتهای بین المللی و طبقات حاکم می باشد. و اکثرا بر پایه گزارشات رسمی خود دولت ها تنظیم شده است. بطور مثال در گزارشات این سازمان که ظاهرا باید منعکس کننده واقعیت نقض حقوق بشر در ایران باشد هیچ گاه به سرکوب وحشتناک و روزمره کارگران و زندان و شکنجه و سر به نیست کردن فعالان کارگری که برای حقوق عادلانه میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان مبارزه می کنند اشاره ای نشده است و در عوض عمده "نگرانی های" گزارش نویسان عفو بین الملل بر حقوق بشر افرادی از میان طبقه حاکم و یا وابستگان آنها که به هر صورت مورد غضب رژیم قرار گرفته اند متمرکز گردیده است. با وجود این حقیقت نگاهی به گزارش امسال این سازمان در مورد نقض حقوق بشر در ایران نشانگر آن است که جنایات و سرکوب روزمره رژیم جمهوری اسلامی بر علیه مردم ایران آنقدر وسیع و وحشتناک است که حتی سازمانهایی نظیر "عفو بین الملل" قادر به لاپوشانی آن نیستند.

مطابق گزارش "عفو بین الملل"، "نقض فاحش حقوق بشر" در سال ۲۰۰۴ توسط رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در ایران بشدت ادامه داشته است. در این گزارش به "ادامه شکنجه، تبعیض بر علیه زنان، تداوم مجازات اعدام، اعمال تبعیض مذهبی و ..." اشاره رفته است. گزارش از وجود "فضای ترس و سرکوب مداوم بر علیه منتقدان نظام" نام برده و در این رابطه به دستگیری ده ها "روزنامه نگار و وب لاگ نویس" و "شکنجه" آنها اشاره می کند. مطابق گزارش "عفو بین الملل" در سال ۲۰۰۴ حد اقل ۱۵۹ نفر توسط جمهوری

اسلامی اعدام شده اند که سن یکی از آنها زیر ۱۸ سال بوده است. اعدامها زیر نام "محراب با خدا" و "جرمهای اخلاقی" صورت گرفته است. مورد دیگری که در گزارش "عفو بین الملل" مورد اشاره قرار گرفته "شکنجه متداول و منظم" در زندانهای جمهوری اسلامی است. این گزارش می افزاید که در تیر ماه ۸۲ یکی از ماموران سرکوبگر جمهوری اسلامی، دستان یک زندانی سیاسی را به پتکه سقفی بسته بود که در نتیجه این عمل وحشیانه، پس از مدتی دستان زندانی قطع شد. ■

احمدی نژاد می خواهد مردم از ته دل بخندند!

مهدی کلهر مشاور فرهنگی احمدی نژاد، رئیس جمهور جدید جمهوری اسلامی در مصاحبه با یکی از شبکه های تلویزیونی خارج کشور به نام "مهاجر" که وابسته به جمهوری اسلامی است و دفتر آن در تهران قرار دارد اعلام کرد که رئیس جمهور جدید می خواهد که "همه شاد باشند، ما فکر می کنیم که مردم از ته دل نمی خندند. ما می خواهیم که آنها باطنی مسرور داشته باشند". او همچنین به نیابت از احمدی نژاد عنوان نمود که "ما می خواهیم نیروی انتظامی به هیچ عنوان به نوع پوشش و نحوه تعامل دخترها و پسرها کاری نداشته باشد. اصلا مشکل جوانان امروز ما این چیزها نیست. زندگی مردم ما به دلائل مختلف تحت فشار است". او اضافه کرده است که "نیروی انتظامی نباید وقت خود را صرف اعمال قانون حجاب نماید و هر نوع موسیقی از جمله لوس آنجلیسی باید به طور آزاد در دسترس همگان باشد". ■

کشته شدن بیش از ۷۰ کارگر پارچه بافی در بنگلادش

بنگلادش در ۱۵ سال گذشته به دلیل وجود یک نیروی کار بسیار ارزان، به کارخانه ارزان قیمتی برای تولید پارچه بازارهای آمریکا و اروپا و ژاپن

تبدیل شده است. صدور پارچه تهیه شده در ۲۵۰۰ کارخانه پارچه بافی (با ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر که ۹۰ درصد آنها زن هستند و با حقوق بسیار ناچیزی کار می کنند) دو سوم صادرات بنگلادش را تشکیل میدهد. به دلیل سودآوری این صنعت برای دولت و سرمایه داران وابسته به صاحبان قدرت دولتی، هیچ کنترل قانونی جدی ای در ساخت و چگونگی اداره این کارخانجات وجود ندارد. طبق آمار دولتی از سال ۱۹۹۰ تاکنون بیش از ۳۰۰ کارگر پارچه بافی در حوادث ناشی از استاندارد نبودن محیط و شرایط کار کشته شده اند. (برگرفته از سایت News Asia) یکی از این حوادث به انفجار دیگهای بخار کارخانه "پارچه اسپکترام" مربوط می شود که در جریان آن ساختمان ۹ طبقه کارخانه به تلی از خاک تبدیل شد و ۷۰ تن از کارگران شیفت شب جان خود را از دست دادند. بدنبال این انفجار ادعا شد که صاحب کارخانه بدون مجوز قانونی مبادرت به ساختمان کارگاه خود نموده است. البته صاحب کارخانه از بستگان نزدیک یکی از اعضای دولت می باشد که هم اکنون از ترس خشم مردمی که عزیزان خود را در این حادثه از دست داده اند فراری است. ■

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 – 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

